DOI: 10.22067/social.2023.82276.1344
مقالهٔ پژوهشی

# مهارت ارتباطی زوجین و رابطهٔ آن با گسست خانواده (موردمطالعه: متأهلین شهر تبریز)[1]

فتانه حاجیلو (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسندهٔ مسئول)
fhajilou@tabrizu.ac.ir
فاطمه گلابی (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی و عضو قطب سلامت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
f.golabi@tabrizu.ac.ir
بهمن رنجگر قلعه کندی (دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
ranjegarbahman@gmail.com

## چکیده

نهاد خانواده، در مفهومی عام و گسترده یک نهاد اجتماعی است. این گروه کوچک متشکل از زن، مرد و فرزندان با ذکر خصوصیات و کارکردهای مختلفی شناخته می شود اما ویژگی اساسی و تفکیک‌نشدنی آن صمیمیت است. خانواده با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی در راستای تجلی عشق و امید، کانون تحقق آرزوهای انسان ها و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است که نقش بنیادی در توسعه و رشد زندگی سالم انسانی را دارد، ولی عوامل متعددی وجود دارند که ساختار خانواده و استحکام آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و موجب اختلال در بروز تعارض بین اعضا و به ویژه اختلال در روابط زوجین می‌شوند که درنهایت گسست خانواده برای زوجین را به همراه می‌آورد. پژوهش حاضر با هدف

---

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد دفاع شده در دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی،دانشگاه تبریز، تبریز، ایران است.

نشریهٔ علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیستم، شماره۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۴ صص ۹۷-۱۲۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ تصویب:۱۴۰۲/۰۴/۲۸

بررسی رابطه مهارت ارتباطی زوجین و رابطه آن با گسست خانواده (مورد مطالعه: متأهلین شهر تبریز) انجام شده است. با توجه به هدف تحقیق، سؤال کلی در تحقیق حاضر عبارت بود از: مهارت ارتباطی زوجین چه رابطه‌ای با گسست خانواده دارد؟ روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود. جامعه آماری پژوهش، افراد متأهل ساکن در سه منطقه شهری (۵، ۷ و ۸ شهر تبریز) از مناطق ده‌گانه شهر تبریز بود که براساس فرمول کوکران ۳۸٤ نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه آماری به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای بررسی شدند. نتایج تحقیق گویای آن است بین متغیر مهارت ارتباطی با گسست خانواده رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش مهارت ارتباطی بین زوجین خطر گسست خانواده کاهش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد تحصیلات افراد نیز بر متغیر گسست خانواده و مهارت ارتباطی تأثیرگذار است. به نظر می رسد با توجه به نقش و اهمیت مهارت‌های ارتباطی در زندگی اجتماعی، رویکرد علمی و توجه به پرورش آن در باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** مهارت ارتباطی، تعارضات زناشویی، گسست خانواده، تبریز، تحصیلات.

## ۱. مقدمه

خانواده، نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه درگرو وجود و سلامت آن است. «نهاد خانواد جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خود برای به عهده گرفتن نقش و پایگاه اجتماعی، در جامعه آماده شود و براساس روابط مناسب در خانواده و به تبع آن، جامعه از ثبات و پایداری زیادی برخوردار شود» (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۲). عملکرد خانواده و توانایی آن در هماهنگی با تغییرات، همبستگی بین اعضا یا تعارضات و تضادهای درون خانواده، رعایت حد و مرزها و اجرای قوانین و اصول حاکم بر نهاد خانواده بر حفاظت از کل سیستم آن تأثیر دارد (پورتس[1] و همکاران، ۱۹۹۹، صص. ٦۱۷-٦۱۵)، اما در جوامع معاصر، خانواده از حالت مطلوب خود فاصله گرفته

1. Portes

و دچار چالش‌های متفاوتی با تغییر در ارزش‌ها و کارکردهای خود شده است. بدیهی است عوامل آسیب‌زننده به نهاد خانواده با ایجاد اختلال در کارکردهای آن، جامعه را نیز درگیر آسیب‌های اجتماعی متعدد می‌کنند. به‌رغم انجام مطالعات گسترده و فراوان درباره خانواده و آسیب‌های آن در جوامع مختلف، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، نمی‌توان علت‌های مشخص و یکسانی را که بنیان خانواده را تهدید می‌کند، تعیین کرد؛ ازاین‌رو همواره شناخت علل اجتماعی و فردی مداخله‌کننده و تأثیر گذار بر کارکردهای خانواده، موضوع مطالعات و پژوهش‌های جامعه‌شناختی برای تبیین تهدیدات و علل بروز تعارضات و اختلافات به‌ویژه بین زوجین قرار گرفته است.

مسائل عاطفی و روانی به‌شدت بر خانواده و افراد آن تأثیر می‌گذارد و خانواده بنا به دلایل زیادی دچار اختلال و تعارض می‌شود. «در خانواده روابط بین زوجین سیستم پیچیده‌ای است که می‌تواند تعارض یا تعامل، تفاهم یا تضاد را در خانواده به ارمغان آورد» (ریاحی و همکاران، ۱۳۸٦، ص. ۱۳۵). «وجه روان‌شناختی بارز در تعارضات زناشویی ناتوانی افراد در کنترل رفتار و تکانه‌ها است و شناسایی سازه‌های مرتبط با نقص در کنترل تکانه‌ها می‌تواند گام مهمی در راستای درک تعارضات باشد. تکانشگری عبارت است از گرایش به واکنش‌های سریع و نسنجیده نسبت به محرک‌های بیرونی و درونی بدون توجه به پیامدهای منفی آن برای فرد و دیگران» (فدایی‌مقدم و همکاران، ۱٤۰۱، ص. ۱٤۲).

بدیهی است که بروز اختلاف در روابط انسان‌ها با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است، اما زمانی که این اختلاف به کاهش عملکرد منجر می‌شود به‌ویژه در زمینه خانواده، درخورتأمل می‌شود و بررسی آن ضرورت می‌یابد؛ زیرا «عملکرد خانواده با سلامت روانی اعضا مرتبط است و خانواده‌های صمیمی و دارای روابط نزدیک و تفاهم بین افراد نسبت به فشارهای زندگی مقاوم و مصون هستند» (شارف[1]، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۵). یکی از وجوه عاطفی بارز در بروز اختلاف بین زوجین، ناتوانی افراد در برقراری ارتباط و کنترل رفتارها است. رفتارهای

1. Sharef

شتاب‌زده، بدون فکر و برنامه‌ریزی‌نشده از ویژگی‌هایی هستند که به ضعف در برقراری ارتباط بین افراد و کاهش عملکرد و تعامل بین آن‌ها منجر می‌شوند.

پس از شناسایی و فهرست کردن انواع اختلاف زناشویی، گلدنبرگ[1] (۱۹۸۷) به این نتیجه رسید که بیشتر مسائل زناشویی ناشی از ندانستن و یا بهره‌نگرفتن از فنون ارتباطی است و راه حل مسئله به کارگیری مهارت‌های مؤثری است که می‌تواند مسائل موجود در رابطه همسران را کاهش دهد (جهانی دولت‌آباد و عشایری، ۱٤۰۱، ص. ۳٤۵). تعامل ارتباطی باز، کنترل و مهار فشارهای روانی و به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض، همدلی، ابراز محبت و مسئولیت پذیری از ویژگی‌های خانواده با عملکرد مناسب است (فدایی‌مقدم و همکاران، ۱٤۰۱، ص. ۱٤۲). دولانگ[2] معتقد است که افراد مختلف اهداف متفاوتی از ازدواج دارند؛ بعضی افراد ازدواج را به دید فرصتی برای جبران ناکامی‌ها یا تأیید باورهای خود می‌دانند و چنانچه این نیازها در زندگی مشترک برآورده نشود، موجب احساس ناامیدی در روابط شکست نهایی خواهند شد (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۹٦). رایج‌ترین مشکلی که زوجین بیان می‌کنند، ناتوانی در برقراری ارتباط است. بیش از ۹۰ درصد زوجین آشفته، این مشکلات رابه‌عنوان دغدغه اصلی در رابط خود بیان می‌کنند (شمشیرگیران و همائی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲٦). مهارت‌های ارتباطی خوب اساس تمام خدمات و کارهای اجتماعی را تشکیل می دهند. بدون آن، مجریان فعالیت‌های اجتماعی قادر به شکل‌دهی روابط، تأثیرگذاری، پشتیبانی، حمایت و یا حل مشکل نیستند. برخلاف برخی از مهارت‌ها که ممکن است نسبتاً ساده به دست آید، یادگیری چگونگی برقراری یک ارتباط خوب، فرایندی پیچیده است که ضروری است یادگیری در آن به‌طور همزمان در چندین سطح رخ دهد (نصیری و همکاران، ۱۳۹٦، ص. ۲۹).

1. Goldenberg
2. Dulong

در برخی از خانواده‌ها حتی مشاهده می‌شود که ارتباط و تعامل بین آن‌ها کاملاً قطع یا بسیار کم‌رنگ می‌شود. به‌رغم اینکه همسران در کنار هم و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، خانه به خوابگاه تبدیل شده است و زوج‌ها با وجود نارضایتی از زندگی زناشویی خود به دلایل متعدد حاضر به جدایی نیستند. در این حالت درواقع گسست پیوندهای خانوادگی در درون آن اتفاق افتاده است؛ هرچند به لحاظ شکلی و صوری هنوز خانواده پابرجا به نظر می‌رسد. آمارهای رسمی اداره کل ثبت احوال آذربایجان شرقی حاکی است، وقوع طلاق رسمی در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سال قبل از آن ٤/٣ درصد رشد داشته و در میان شهرستان‌های استان تبریز بیشترین میزان طلاق را داشته است؛ این درحالی است که اطلاعات دقیقی از خانواده‌هایی وجود ندارد که در آن‌ها گسست روی داده و خانواده کارکردهای اصلی خود را از دست داده است؛ بنابراین در این پژوهش سه منطقه از مناطق شهرداری که به لحاظ جغرافیایی در غرب، شرق و مرکز شهر واقع شده‌اند، بررسی شدند تا در یک نوار طولی بخش‌های مختلف شهر بررسی شود. ساکنان هریک از این مناطق از لحاظ ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد و درمجموع تقریباً نمایی کامل از شهر تبریز را پوشش می‌دهد. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که مهارت ارتباطی زوجین چه رابطه‌ای با گسست خانواده دارد؟

**۲. مبانی نظری تحقیق**

**۲. ۱. پیشینهٔ تحقیق**

نتایج تحقیق ابراهیمی و محمدلو (١٤٠٠) با عنوان «مرور نظام‌مند عوامل زمینه‌ساز طلاق توافقی زوجین دهه اخیر در ایران (۱۳۹۸-۱۳۸۸)» گویای آن است که ضعف در دریافت و ارسال پیام بین زوجین از عوامل زمینه‌ساز گسست خانواده است. بالاگیریی و حسینی (۱۳۹۸) با هدف تعیین الگوهای پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی، به این نتیجه دست یافتند که عملکرد جنسی، الگوهای ارتباطی و تحصیلات زوجین عوامل کلیدی طلاق عاطفی است. نتایج تحقیق عظیمی رستا و عابدزاده (۱۳۹۲) در بررسی عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی میان

زوجین نیز نشان داد، تحصیلات یکی از عوامل زمینه‌ای مهم در وقوع در طلاق عاطفی است. یافته‌های پژوهش محمدرضایی و میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۶) در بررسی تعاملات عاطفی زوجین و نقش آن در طلاق عاطفی و اقدام به طلاق نشان داد که ازدواج اجباری و بدون عشق و فقدان زمان کافی برای ابراز علاقه و محبت به خانواده و تعاملات اجتماعی ضعیف، از عوامل بنیادی گسست خانواده و طلاق عاطفی است. شیشه‌گران قمری کیوی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۵) نیز در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی برسبک های حل تعارض سازنده وغیر سازنده در نامزدها، دریافتند که آموزش مهارت ارتباطی قبل ازدواج بر میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی تأثیر زیادی دارد. جابری و همکاران (۱۳۹٤) در بررسی رابطه مهارت ارتباطی با صمیت زناشویی دریافتند، داشتن مهارت ارتباطی کافی بین زوجین باعث صمیمیت بین آن‌ها می‌شود. یافته‌های پژوهش زرگر و نشاط دوست (۱۳۸٦) درباره بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در شهرستان فلاورجان نشان داد، مشکلات ارتباطی بین زوجین از عوامل تأثیر گذر در گسست و طلاق خانواده است. نتایج پژوهش استرازنز[1] و همکاران (۲۰۱٦) با موضوع روابط عاشقانه و رضایت از رابطه میان بزرگسالان حاکی از آن بود که داشتن مهارت ارتباطی بین زوجین یکی از عوامل کاهش تعارضات زوجین است (استرازنز و همکاران، ۲۰۱٦، ص. ۱۳). پژوهش الگار[2] و همکاران (۲۰۱۲) با عنوان «شام خانوادگی، ارتباطات و سلامت» گویای آن است که مهارت ارتباطی بین اعضای خانواده از مؤلفه‌های اصلی خانواده سالم است (الگار و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۱۱). هانسون[3] و لندبند[4] (۲۰۰٦) تحقیقی با عنوان «زوج درمانی: اثربخشی درمان و پیگیری طولانی‌مدت» انجام دادند. یافته‌ها گویای آن است که آموزش مهارت ارتباطی بین زوجین باعث کاهش تعارضات زناشویی و گسست خانواده می‌شود (لندید و هانسون، ۲۰۰٦ ). نتایج تحقیق ریچ[5] و

1. Strunz
2. Elgar
3. Hansson
4. Lundblad
5. Riech

همکاران (۲۰۰۳) درباره رویکردهای ارتباطی به تعارض والدین-کودک نشان داد، آموزش مهارت ارتباطی باعث بهبود انتخاب شیوه حل مسائل و کاهش تعارضات و مانع گسست خانواده می‌شود (ریچ و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۲۵٦). اسپرچر[1] و میتس[2] (۲۰۰۳) در پژوهش خود با هدف بررسی تأثیر باورها رابطه و پاسخ‌های حل مسئله بر رضایت در روابط عاشقانه، به این نتیجه رسیدند که مهارت‌های برقراری ارتباط از عوامل تعیین‌کننده سازگاری زناشویی است (اسپرچر و میت، ۲۰۰۳، ص. ۱۸۵).

**۲. ۲. چارچوب نظری تحقیق**

برخی جامعه‌شناسان معتقدند، در زندگی معاصر خانواده از وضعیت مطلوب خود فاصله گرفته و دچار چالش‌های متفاوت با تغییر در ارزش‌ها و کارکردهای خود شده است که موجب سستی و ضعف پایه‌های زندگی زناشویی شده است، اما نمی‌توان این تغییرات را مخاطره‌ای برای نهاد خانواده در نظر گرفت؛ این در حالی است که برخی دیگر از نظریه‌ها، تغییرات روی‌داده را مصداق گسست خانواده تلقی می‌کنند. هر دوی این گروه‌ها علل متفاوت فردی و اجتماعی را برای تبیین نظر خود استفاده می‌کنند. از بین علل مختلف، توجه به مهارت ارتباطی به لحاظ دخالت داشتن تلفیقی از ویژگی‌های فردی و اجتماعی در ایجاد و رشد آن بسیار مهم است. در خانواده‌هایی که مهارت برقراری ارتباط سالم وجود دارد، اعضای خانواده همیشه در تعامل با یکدیگر هستند و به صورت مناسبی با یکدیگر معاشرت دارند و به طور اختیاری درباره موضوع‌های مختلف با دیگر اعضای خانواده گفت وگو می‌کنند؛ این عاملی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح درباره مسائل مربوط به خانواده است و نه‌تنها عاملی برای بقا خانواده سالم است، بلکه عاملی است که معنی واقعی زندگی را برای اعضای خانواده به ارمغان می‌آورد.

1. Sprecher
2. Metts

انسان‌ها تنها در جمع و با تجمع توانایی انتقال مهارت‌ها، یافته‌ها و دانسته‌های خود را به دیگران دارند و با ابداع زبان و سپس خط و کتابت، موجبات بقا و دوام آن را در تاریخ فراهم آوردند. درنتیجهٔ این فرایند، به بیان فرانسیس بیکن[1]، انسان‌ها در هر نسل بر شانه نسل‌های پیشین جای دارند. آن‌ها هم از چشم‌اندازی وسیع‌تری برخوردارند و هم از دانش‌ها، آورده‌ها و مهارت‌های میلیون‌ها انسان پیش از خود سود می‌برند؛ از همین روست که آگوست کنت[2] جامعه را تنها متشکل از زنده‌ها نمی‌داند؛ چون به زعم او، افکار و دستاوردهای گذشتگان در جریان تبادل قرار می‌گیرد. با توجه به این نظریه‌ها می‌توان گفت که ارتباط انسانی منشأ فرهنگ به‌عنوان زمینه و مبنای حرکت و ارتقای انسانی است و فقدان ارتباط، به معنای سکون نسبی در حیات انسانی و مانعی در راه هر نوع تعالی اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۹۰، ص. ٢٤).

مهارت‌های ارتباطی آن دسته از مهارت‌هایی هستند که به‌واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین‌فردی و فرایند ارتباط شوند؛ فرایندی که افراد طی آن، اطلاعات، افکار و احساسات خود را از طریق مبادله کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند و شامل مؤلفه‌های درک پیام کلامی و غیرکلامی، نظم‌دهی به هیجان‌ها، گوش‌دادن، بینش درباره فرایند ارتباط و قاطعیت در ارتباط است (گلزار سیرجانی و بیانفر، ۱۳۹۹، ص. ۳۵).

بخش زیادی از توان برقراری ارتباط، توان ذاتی و ویژگی شخصیتی است و بخش دیگر این مهارت، یاد گرفتنی است. می‌توان مسئله‌ای مانند گوش دادن به سخن دیگران را یاد گرفت که مهارتی عمیق و حرفه‌ای است. همچنین ملاک‌هایی مانند پیش‌داوری نکردن، وجود همدلی، نگاه محبت‌آمیز و جویده حرف نزدن از موضوعاتی است که باید رعایت شود (نصیری و همکاران، ١٣٩٦، ص. ٢٨).

1. Francis Bacon
2. Count

براد شاو[1] بر این عقیده است، انسان‌هایی که فاقد مهارت‌های ارتباطی‌اند، تحت‌تأثیر احساسات قدرتمندی هستند که از سرکردن با اشخاصی که دارای احساسات تند هستند، هراس دارند و نمی‌توانند احساسات خود را با دیگران در میان بگذارند و احساس دیگران را هم درک نمی‌کند (برادشاو، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۷). موضوع مهارت ارتباطی در عرصه‌های مختلف زندگی اهمیت دارد؛ زیرا سراسر زندگی عرصه یادگیری و اندیشه‌ورزی است که بدون برقراری ارتباط مقدور نمی‌شود. در این رابطه مشاهده می‌شود که مثلاً در شرح رابطه تنگاتنگ بین سازگاری تحصیلی با برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، اردلان و حسین‌جاری نیز در تحقیق خود با اشاره به یافته‌های مطالعات دنیز[2]، هامارتا[3] و آری[4] به این نکته توجه داشته‌اند که سازگاری بیشتر با موفقیت در تعاملات اجتماعی محتمل‌تر است و مهارت ارتباطی به‌عنوان وسیله‌ای در راستای حل مشکلات نقش مهمی در این زمینه دارد (اردلان و حسین‌جاری، ۱۳۹۰، ص. ۳۲).

در بحث نظریه تبادل اجتماعی بین زوجین، هالینز[5]و ورث[6]، مونر[7] و جیکسون[8] معتقدند، خوشنودی در روابط زناشویی را می‌توان برحسب پاداش–هزینه در درازمدت ارزیابی کرد. اگر بتوان رویدادهای غایب و در عین حال دارای توان پاداش دهندگی را شناسایی و به حداکثر رساند و رویدادهای ناخوشایند را نیز معلوم کرد و کاهش داد، بهره پاداش–هزینه افزایش چشمگیری خواهد داشت و هر همسر نه‌تنها احساس خشنودی بیشتری می‌کند، بلکه بیشتر مشتاق است به طرف مقابل پاداش‌های فراوان‌تری دهد. در ازدواج‌های ناموفقی که هرکدام از طرفین به حمایت از خود می‌کوشد تا هزینه مربوط به خود را به حداقل برساند

1. Bradshaw
2. Denise
3. Hamarta
4. Eri
5. Hollins
6. Worth
7. Moner
8. Jickson

اما در راستای تبادل پاداش تلاش نمی‌کند، عکس این قضیه صدق می‌کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲، ص. ۳۲۵).

کریمی و همکاران با استناد به نظریه گاتمن[1] به این نکته اشاره دارند که ارتباط زناشویی ناشایسته در اغلب مواقع نتیجه الگوهایی ارتباطی منفی است. به‌علاوه این الگوی ارتباطی آشفته بر سلامت روان زوجین تأثیر زیادی دارد؛ بنابراین با تغییر الگوهای ارتباطی می‌توان به کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سلامت روان و رضایت زناشویی کمک کرد. منظور از الگوهای ارتباطی زوج‌ها، کانال ارتباطی است که از طریق آن زوجین با یکدیگر به تعامل می‌پردازند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۵٦). فقدان مهارت ارتباطی لازم در روابط زوجین، زن و شوهر را با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌کند و زوجین قادر نخواهند بود بسیاری از کارکردهای اصلی خود را به‌عنوان اعضای خانواده ازجمله انجام نقش‌های اساسی در زندگی روزمره، اداره امور مالی، اداره خانواده، تربیت فرزندان و اهداف عاطفی را انجام دهند.

از دید گاتمن، موفقیت در زندگی زوجین درگرو رفتار با یکدیگر است؛ اینکه چقدر تلاش می‌کنند تا نسبت به همسرشان، افکار و احساسات مثبتشان بر احساسات منفیشان غلبه کنند. به نظر او، تمرکز بر صمیمیت و علاقه زوجین به یکدیگر، حاکم شدن فضای قدردانی و احترام باعث بهبود روابط عاشقانه، افزایش احساس دلبستگی و واکنش‌های هیجانی مثبت، پذیرش تفاوت‌های یکدیگر و مدیریت مشکلات و چالش‌های زندگی و بهبود روابط زناشویی می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۵٦).

ویژگی بارز خانواده‌هایی که در آن اعضا و به‌ویژه زوجین با یکدیگر ارتباط زیادی دارند، داشتن روابط گرم صمیمی و آزادی در بیان احساسات و مشورت با همدیگر است؛ درنتیجه توانایی حل مسئله و تصمیم گیری در آن‌ها افزایش می‌یابد؛ از مواجهه با مسائل چالش‌انگیز واهمه ندارند و توانایی انطباق، سازگاری، تاب‌آوری و عملکرد مناسب‌تری دارند (گلزار

---

1. Gottman

سیرجانی و بیانفر، ۱۳۹۹، ص. ۳۵). موضوع اهمیت داشتن مهارت ارتباطی بین زوجین از این منظر که می‌تواند زمینه‌ساز شادی یا منبع بزرگ رنج و تألم باشد، در نظریه یانگ[1] نیز تأکید شده است. ارتباط این امکان را برای زوجین فراهم می‌کند که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند و مشکلاتشان را حل کنند. زوج‌هایی که نتوانند با هم تعامل داشته باشند، در وضعیت نامشخص قرار می‌گیرند (شمشیرگران و همائی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۹). این امر به حدی اهمیت دارد که با تحلیل نوع تعامل و ارتباط بین زن و شوهر می‌توان احتمال به بن‌بست رسیدن ازدواج و درنهایت طلاق را پیش‌بینی کرد (زارع باغبیدی و اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۹).

در راستای بهبود روابط بین زوجین، استوارت[2] آموزش‌هایی پنج‌گانه را برای زوجین توصیه می‌کند که عبارت است از: گوش دادن مؤثر به همسر (تا حد امکان، بدون هیچ برداشت قبلی درباره انگیزه‌های طرف مقابل)؛ یادگیری ابراز وجود یا بیان حال (ابراز بیانات شخصی که مسئولیت آن‌ها را نیز بر عهده می‌گیرد)؛ درخواست کردن (منظم و به‌موقع)؛ تبادل پسخوراند مناسب اطلاعات به یکدیگر؛ روشن‌سازی مطالب (وارسی معنای پیام تا زمانی که هر دو به مفهوم آن پی برده باشند) (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲، ص. ۳۲۵). تعامل سالم بین زوجین آن‌ها را توانمند می‌کند تا نیازها، خواسته‌ها و علایق خویش را با سایر اعضای خانواده در میان بگذارند و مشکلات و مسائل خانوادگی که با گفت و گو حل می‌شود را به نحو نیکو حل کنند. زندگی اغلب زوج‌ها براساس نظریه مایرال[3] به‌دلیل آگاهی نداشتن از مهارت ارتباطی و سبک ارتباطی ناسالم به رابطه‌ای ایستا و بدون صمیمت تبدیل می‌شود (زارع باغبیدی و اعتمادی‌فر، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۸). مهارت ارتباطی بخشی از سرمایه - اجتماعی است که نقش کلیدی در رضایتمندی زوجین از زندگی و صمیمیت بین آن‌ها دارد. این مهارت تعیین‌کننده اصلی سازگاری زناشویی و روابط متقابل زناشویی است.

1. Young
2. Stewart
3. Myral

براساس نظریه اسپرچر[1] نیز بسیاری از مشکلات زناشویی ناشی از سوءتفاهم و ارتباط غیرمؤثر افراد است که نتیجه آن احساس ناکامی و خشم به خاطر برآورده نشدن نیازها و خواسته‌های زن و شوهر در زندگی زناشویی است (هادیان و امینی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸٦). ویلر[2] و سندرز[3] (۱۹۷٦) که از رویکرد رفتاری پیروی می‌کنند، به این نکته تأکید کرده‌اند که مهارت‌های پیام‌رسانی و نحوه شناسایی، اجرا و تأیید تعامل‌های خوشایند و لذت‌بخش را به زوجین باید آموزش داد. هدف از این کار، افزایش دامنه و فراوانی تعامل‌های مطلوب و مثبت میان زوجین‌ها است که به کمک و حمایت و انسجام گروه زوجین صورت می‌پذیرد. آن‌ها مدعی هستند که وقتی یک زوج به تبادل متوازن‌تر تقویت‌های مثبت می‌پردازد، خشنودی زناشویی تا حد زیادی افزایش می‌یابد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲، ص. ۳٤٥).

میزان تحصیلات زوجین، یکی از عوامل زمینه‌ساز در برقراری ارتباط بین آن‌ها و نیز بروز تعارضات زناشویی است. در این راستا تحقیقات برنت [4] با موضوع تحرک اجتماعی و ازدواج، نشان داد در ۷۱ درصد ازدواج‌ها نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده است. همچنین استوارات[5] بر این عقیده است که میان پروش و آموزش فرد و آنچه از همسر او انتظار می‌رود، رابطه معنادار و منطقی وجود دارد. در این راستا، نتایج تحقیقات هامیلتون[6] نیز حاکی از آن است که میان رضایت زوجین از زندگی خویش و همگونی تحصیلات ارتباط مستقیم وجود دارد (ساروخانی، ۱۳۸۱، ص. ٦۱).

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت ارتباط پیامی است که به شکل ارادی توسط فرستنده فرستاده می‌شود و متقابلاً به شکل ارادی توسط گیرنده پیام درک می‌شود. براساس این تعریف، زمانی که فرد قابلیت آن را دارد که پیام خود را به‌صورت نمادین به دیگران

---

1. Sprecher
2. Wiler
3. Sanders
4. Berent
5. Stuart
6. Hamiltion

انتقال دهد و احساسی خوشایند و لذت بخش از تعاملات اجتماعی کسب کند، دارای مهارت ارتباطی است؛ بر این اساس ،ارتباط زناشویی هم که عبارت است از فرایند تبادل اطلاعات بین زوجین، وقتی توأم با مهارت‌هایی برای تبادل مناسب پیام در قالب الگوهای اطلاعات درون سیستم زناشویی باشد، باعث می‌شود اعضا خانواده بتوانند کارکردهای اصلی خود ازجمله انجام نقش‌های اساسی در زندگی روزمره، اداره امور مالی، اداره خانواده، تربیت فرزندان و اهداف عاطفی را انجام دهند. بدیهی است که به این ترتیب در ساختار خانواده ثبات بیشتری مشاهده خواهد شد.

براساس ادبیات نظری ذکرشده، فرضیه اصلی بررسی‌شده در این پژوهش آن است که بین مهارت ارتباطی افراد با گسست خانواده رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به نقش تحصیلات زوجین در برقراری ارتباط و نیز در بروز تعارضات زناشویی، فرضیه دیگر تحقیق آن است که میانگین مهارت‌های ارتباطی افراد برحسب تحصیلات متفاوت است. فرضیه سوم نیز آن است که میانگین گسست خانواده برحسب تحصیلات افراد متفاوت است.

با توجه به مطالب مذکور و در جمع‌بندی می‌توان گفت، مروری بر پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع تحقیق نشان می‌دهد مهارت ارتباطی و در کنار آن تحصیلات زوجین از عوامل تأثیرگذار بر گسست خانواده است. وجود مهارت ارتباطی می‌تواند تعاملات عاطفی زوجین را بهبود بخشد و به حل و فصل چالش‌های زندگی مشترک با همدلی و تلاش برای عبور از تعارض‌های به‌وجودآمده کمک کند. ارتباط مؤثر بین زوجین با افزایش دادن فرصت درک متقابل برای افراد می‌تواند به کاهش اختلاف نظر درخصوص یک مسئله، فهم بهتر انتظارات همسران از یکدیگر، کاهش اختلاف بین زوجین درخصوص انتخاب‌ها، ارائه راه‌حل‌های ممکن برای حل مسائل مختلف از موارد مرتبط با تربیت فرزندان تا مسائل اقتصادی خانواده منجر شود؛ به این ترتیب، بهترین شکل ارتباط در میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد.

**۳. روش تحقیق**

**۳. ۱. جامعه و نمونه آماری**

پژوهش حاضر به دلیل اینکه محقق سعی دارد مباحث نظری را به‌صورت تجربی آزمون کند و نتایج آن برای بهبود بخشیدن به چالش‌های موجود در موضوع پژوهش به کار می‌رود، از نوع تحقیقات کاربردی است. این پژوهش در فاصله زمانی اردیبهشت تا دی ماه ۱٤۰۱ انجام شد؛ بنابراین از مله تحقیقات مقطعی، براساس نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش پیمایشی و با توجه به بررسی روابط بین متغیرها از نوع مطالعات همبستگی است.

جامعه آماری تحقیق، متأهلین ساکن در مناطق ۷، ۸ و ۵ شهرداری تبریز بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران از میان کل جمعیت آماری، ۳۸٤ نفر تعیین شد و با در نظر گرفتن اینکه ممکن است بعضی از پرسش‌نامه ها مخدوش یا ناقص پاسخ داده شوند، حجم نمونه به ۳۹۰ نفر افزایش یافت و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بررسی شد. گردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ها به‌صورت حضوری انجام شد؛ به‌طوری‌که محقق محله به محله در مناطق تعیین‌شده حضور یافت و با مصاحبه با نمونه‌ها که در اوقاتی حتی بیش از یک ساعت طول کشید، تکمیل پرسش‌نامه‌ها را انجام داد؛ البته محقق قبلاً روایی پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت صوری و با ارائه آن به اساتید متخصص بررسی کرده بود و سپس از هر منطقه ۵۰ پرسش‌نامه اولیه را برای پیش‌آزمون تکمیل کرد. پس از بررسی اولیه آن‌ها، محاسبه آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق و اطمینان یافتن از مناسب بودن سؤالات پرسش‌نامه، محقق به نمونه‌گیری نهایی اقدام کرد.

**۳. ۲. ابزار گردآوری اطلاعات**

ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود که سؤالات آن براساس ترکیبی از سؤالات پرسش‌نامه استاندارد مهارت‌های ارتباطی (CSTR) که در سال ۲۰۰٤ کوئین دام[1] برای

1. Queendom

بررسی نوع مهارت‌های ارتباطی بزرگسالان ساخت و همچنین سؤالات محقق‌ساخته برای سنجش گسست خانواده، تنظیم شد. پایایی پرسش‌نامه نهایی به‌وسیله اندازه‌گیری آلفای کرونباخ برای متغیرها بررسی شد که نتایج آن به شرح جدول ۱ است.

**جدول ۱. نتایج محاسبه آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش**

| متغیر | ضریب آلفای کرونباخ |
|---|---|
| گسست خانواده | ۰/۸۷٤ |
| مهارت ارتباطی | ۰/۷۷۲ |

**۳. ۳. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای گسست خانواده و مهارت ارتباطی**

خانواده گسسته زمانی شکل می‌گیرد که همنوایی بین اعضا برای رعایت هنجارها و ارزش‌ها وجود نداشته باشد و رعایت‌نشدن رسوم اخلاقی، اهمیت‌ندادن به کردارها و کنش‌ها از سوی اعضا مشاهده شود (حسن‌زاده، ۱٤۰۰). برای سنجش گسست خانواده ۳٤ پرسش برای ارزیابی مواردی شامل اختلافات مالی، سوءتفاهم جنسی، مشکلات جسمانی و بهداشتی، نارضایتی از ظاهر همسر، نارضایتی از ویژگی‌های شخصیتی همسر، تعارض بین زوجین، ناکارآمدی ارتباط با همسر، بدرفتاری با کودکان، اختلاف درمورد پرورش فرزندان، ممانعت از کار، تحصیل و ارتباط اجتماعی متعارف همسر، غفلت از تأمین مایحتاج ضروری زندگی، رفتارهای ضد اجتماعی مثل مصرف موادمخدر یا مشروبات الکلی، افزایش خشونت بین زوجین و تمایل به گریز از خانه، در قالب سؤالات محقق‌ساخته تنظیم شد.

مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌هایی هستند که به‌واسطه آن افراد می‌توانند درگیر تعاملات بین فردی و فرایند ارتباط شوند؛ یعنی فرایندی که افراد طی آن اطلاعات، افکار و احساسات خود را از طریق مبادله پیام‌های کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (شمشیرگران و همائی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲٦). برای سنجش مهارت‌های ارتباطی از پرسش‌نامه استاندارد کویین‌دام استفاده شد.

**٤. یافته‌های تحقیق**

پاسخگویان داوطلب که در این تحقیق مشارکت داشتند، ۱۸۰ نفر مرد و ۱۷۹ نفر زن بودند. جوان‌ترین پاسخگو ١٦ سال و نمونه‌های بررسی‌شده مربوط خانواده‌های با سطح درآمد ٦ تا ۹ میلیون تومان با ۳۰/٤ درصد و کمترین فراوانی مربوط به سطح در آمد کمتر از ۳ میلیون تومان با ٤/٤ درصد بود. جداول ۲ و ۳ جزئیات بیشتر آماره‌های به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل متغیرهای مذکور را نشان می‌دهد.

**جدول ۲. توزیع فروانی پاسخ‌گویان برحسب وضعیت تحصیلی**

| تحصیلات پاسخ‌گویان | کارشناسی‌ارشد و بیشتر | کارشناسی | متوسطه | راهنمایی | دبستان | بی‌سواد | کل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۲۹ | ۸۵ | ۱۰۹ | ۸۵ | ۳۱ | ۲۳ | ۳۸٤ |
| درصد فراوانی | ۸ | ۲۳/۵ | ۳۰/۱ | ۲۳/۵ | ۸/٦ | ٦/٤ | ۱۰۰ |

چولگی و کشیدگی داده‌ها: دو آزمون آماری برای ارزیابی میزان پراکندگی فراوانی داده‌ها است که برای بررسی نرمال بودن توزیع از آن استفاده شد. برای توزیع کاملاً متقارن، چولگی صفر، برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بیشتر، چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به‌سمت مقادیر کوچک‌تر، مقدار چولگی منفی است.

کشیدگی نشان‌دهنده ارتفاع توزیع و معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر با ۳ است. کشیدگی مثبت یعنی قله توزیع مدنظر از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانه پایین‌تر بودن قله از توزیع نرمال است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از محاسبه نسبت چولگی و نسبت کشیدگی استفاده شد. مشاهده می‌شود که برای متغیرهای تحقیق، عدد حاصل در بازه [۲ و ۲-] قرار گرفت و می‌توان توزیع داده‌ها را نرمال در نظر گرفت.

سنجش متغیرهای مهارت ارتباطی و گسست خانواد در مقیاس رتبه‌ای و براساس اندازه‌گیری طبق طیف لیکرت در مقیاس نمره‌دهی پنج‌گزینه‌ای انجام شد؛ به‌طوری‌که به کمترین مقدار عدد ۱ و به بیشترین مقدار عدد ۵ تعلق می‌گیرد. معناداری روابط و آزمون‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی شد. همان‌گونه که نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، برای متغیر مهارت ارتباطی، دامنه طیف شاخص مهارت ارتباطی بین کمینه ٣٤ و بیشینه‌ای با نمره ٧٤ قرار دارد و میانگین ٤٥/٠٧٤ برای آن محاسبه شده است که کمی بیشتر از مقدار متوسط ممکن برای سنجش این متغیر است؛ به عبارت دیگر، میزان مهارت ارتباطی بین افراد بررسی‌شده در حد متوسط قابل‌انتظار است.

**جدول ۳. آماره‌های توصیفی شاخص مهارت ارتباطی**

| متغیر | کمینه | بیشینه | میانگین: آماره | میانگین: خطای استاندارد | انحراف معیار | چولگی: آماره | چولگی: خطای استاندارد | کشیدگی: آماره | کشیدگی: خطای استاندارد |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مهارت ارتباطی | ١٧ | ٦٣ | ٤٥/٠٧٤ | ٠/٤٣٧ | ٨/٣٢٠ | -٠/٥٠٢ | ٠/١٢٨ | -٠/١٥٠ | ٠/٢٥٦ |
| گوش دادن | ٣ | ١٥ | ٩/٤٧٠ | ٠/١٢٥ | ٢/٣٧٦ | -٠/٢٢٨ | ٠/١٢٨ | ٠/١٥٤ | ٠/٢٥٦ |
| توانایی دریافت و ارسال پیام | ٥ | ٢١ | ١٢/٨٣٩ | ٠/١٨٦٠ | ٣/٥٣٤ | -٠/٠٣٦ | ٠/١٢٨ | -٠/٦٣١ | ٠/٢٥٦ |
| بینش نسبت به فرایند ارتباط | ٥ | ٢١ | ١٢/٠٩١ | ٠/١٧١ | ٣/٢٦٦ | ٠/٠١٣ | ٠/١٢٨ | -٠/٥٥٤ | ٠/٢٥٦ |
| کنترل عاطفی | ٢ | ١٠ | ٥/٩٢٥ | ٠/٨٥٣ | ١/٧٠٢ | -٠/٢٠٦ | ٠/١٢٨ | ٠/٠٣٦ | ٠/٢٥٦ |
| ارتباط توأم با قاطعیت | ٢ | ١٠ | ٤/٧٥٦ | ٠/٤٣٧ | ١/٦٢١ | ٠/٢٥٠ | ٠/١٢٨ | -٠/٣٩٠ | ٠/٢٥٦ |

نتایج جدول ٤ آماره‌های مربوط به متغیر گسست خانواده را نشان می‌دهد. میانگین گسست خانواده برابر با ١٠٦/٣٩٦١ است که از میانگین قابل‌اکتساب در مقیاس به‌کاربرده‌شده برای سنجش آن بیشتر است؛ به عبارت دیگر، گسست خانواده در جامعه بررسی‌شده بیش از متوسط قابل‌انتظار برای آن است.

**جدول ٤. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر گسست خانواده**

| متغیر | کمینه | بیشینه | میانگین | | انحراف معیار | چولگی | | کشیدگی | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | آماره | خطای استاندارد | | آماره | خطای استاندارد | آماره | خطای استاندارد |
| گسست خانواده | ٥٦ | ١٧٠ | ١٠٦/٥٩٨ | ١/٣٧٢ | ٢٥/٨٣١ | ٠/١٥٩ | ٠/١٣٠ | -١/٢٠٨ | ٠/٢٥٩ |

برای بررسی وجود رابطه بین متغیرهای مهارت ارتباطی و مؤلفه‌های سازنده آن با متغیر وابسته تحقیق، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می-دهد، بین این متغیرها با گسست خانواده رابطه معنادار نسبتاً قوی و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش مهارت ارتباطی زوجین گسست خانواده کمتر روی می‌دهد.

**جدول ۵. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مهارت ارتباطی و مؤلفه‌های آن با گسست خانواده**

| متغیرها | ضریب همبستگی | ρ |
|---|---|---|
| مهارت ارتباطی | -٠/٥٩٤ | ٠/٠٠٠ |
| ارتباط توأم با قاطعیت | -٠/٣٠٥ | ٠/٠٠٠ |
| کنترل عواطف | -٠/٣١٢ | ٠/٠٠١ |
| بینش به فرایند ارتباط | -٠/٣٦٧ | ٠/٠٠٠ |
| دریافت و ارسال پیام | -٠/٥٤٨ | ٠/٠٠٠ |
| گوش دادن | -٠/٣٣٠ | ٠/٠٠٠ |

برای بررسی تأثیر تحصیلات بر مهارت ارتباطی، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد، تفاوت میانگین مهارت ارتباطی برحسب میزان تحصیلات پاسخگو، معنا-دار است. براساس اعداد خام مربوط به میانگین به نظر می‌رسد مهارت ارتباطی با افزایش تحصیلات کاهش داشته است، ولی ازآنجاکه اعداد خام می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل مداخله‌کننده متفاوت قرار گیرد که در این پژوهش مجال بررسی آن‌ها نبوده است، نمی‌تواند محل قضاوت قرار گیرد؛ بنابراین برای تشخیص اینکه وضعیت تفاوت میانگین‌ها چگونه است و معناداری ناشی از تفاوت بین کدام گروه‌ها است، از آزمون تعقیبی استفاده شد.

**جدول ٦. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفهٔ مهارت ارتباطی برحسب تحصیلات پاسخ‌گویان**

| سطح تحصیلات | میانگین | آنالیز واریانس یک‌طرفه | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | | درون‌گروهی | برون‌گروهی | درجه آزادی | F | ρ |
| کارشناسی‌ارشد و بیشتر | ۳۳/۹۵ | ۱۹۸۲/۱۸۷ | ۱۸۳٤٤/۸۸۸ | ۳٦۰ | ۷/٦۷۲ | ۰/۰۰۰ |
| کارشناسی | ۳٤/۷۵ | | | | | |
| دیپلم و دبیرستان | ۳۷/۲۱ | | | | | |
| راهنمایی | ۳۹/۷۸ | | | | | |
| ابتدایی | ٤۰/٦۹ | | | | | |
| بی‌سواد | ٤۰/٦۲ | | | | | |

براساس نتایج به‌دست‌آمده مشاهده می‌شود که معناداری ناشی از تفاوت بین گروه‌های دارای تحصیلات کارشناسی و بیشتر با گروه‌های دارای تحصیلات کمتر است.

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی LSD تحصیلات پاسخ‌گویان با متغیر مهارت‌های ارتباطی

| تحصیلات | | اختلاف میانگین | انحراف معیار | p |
|---|---|---|---|---|
| کارشناسی‌ارشد و بیشتر | راهنمایی* | ۵/۸۲ | ۱/٦۹ | ۰/۰۰۱ |
| | دبستان* | ٦/۷۳ | ۱/۹۱ | ۰/۰۰۰ |
| | بی‌سواد | ٦/٦۷ | ۲/۰٦ | ۰/۱۰۱ |
| کارشناسی | راهنمایی* | ۵/۰۲ | ۱/۰۹ | ۰/۰۰۰ |
| | دبستان* | ۵/۹۳ | ۱/٤۲ | ۰/۰۰۰ |
| | بی‌سواد* | ۵/۸۷ | ۱/٦۱ | ۰/۰۰۰ |

برای بررسی تأثیر تحصیلات پاسخگویان بر متغیر گسست خانواده نیز از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده برای آزمون فرضیه، وجود تفاوت میانگین گسست خانواده برحسب تحصیلات را تأیید می‌کند.

جدول ۸. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه متغیر تحصیلات با متغیر گسست خانواده

| تحصیلات | میانگین | آنالیز واریانس یک‌طرفه | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | | درون‌گروهی | برون‌گروهی | درجه آزادی | F | p |
| کارشناسی‌ارشد و بیشتر | ۷۰/۰٤۷٦ | ۱۵۰/۷۳٤ | ۲٤٤/۷۸۳ | ۲۸۹ | ٦/۱۵۵ | ۰/۰۰۰ |
| کارشناسی | ۷٤/۰۱۸۹ | | | | | |
| دیپلم و دبیرستان | ۷۷/۸۵۵٦ | | | | | |
| راهنمایی | ۸۵/٤۰۲٦ | | | | | |
| ابتدایی | ۸۰/۲۰٦۹ | | | | | |
| بی‌سواد | ۸۷/۰۰۰۰ | | | | | |

نتایج آزمون تعقیبی در جدول ۹ نشان می‌دهد، تفاوت گسست خانواده برای سطح تحصیلات کارشناسی و بیشتر با سطوح پایین‌تر تحصیلی، معنادار است. به نظر می‌رسد با افزایش تحصیلات از میزان گسست خانواده کم شده است.

**جدول ۹. نتایج آزمون تعقیبی تحصیلات پاسخگویان با متغیر گسست خانواده**

| تحصیلات | | اختلاف میانگین | انحراف معیار | ρ |
|---|---|---|---|---|
| کارشناسی‌ارشد و بیشتر | کارشناسی | -۳/۹۷۱ | ٤/۰۳٤ | ۰/۳۲٦ |
| | دبیرستان | ۷/۸۰۷ | ۳/۷۹۱ | ۰/۰٤۰ |
| | راهنمایی | -۱٥/۳٥٤ | ۳/۸٥۱ | ۰/۰۰۰ |
| | دبستان | -۱۰/۱٥۹ | ٤/٤۸۲ | ۰/۰۲٤ |
| | بی‌سواد | -۱٦/۹٥۲ | ٤/۸۸۸ | ۰/۰۰۱ |
| کارشناسی | دبیرستان | ۳/۳۸٦ | ۲/۷۰۸ | ۰/۱٥۸ |
| | راهنمایی | -۱۱/۳۸۳ | ۲/۷۹۲ | ۰/۰۰۰ |
| | دبستان | -٦/۱۸۸ | ۳/٦۱۳ | ۰/۰۸۸ |
| | بی‌سواد | -۱۲/۹۸۱ | ٤/۱۰٥ | ۰/۰۰۲ |

### ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خانواده، مفهومی عام و گسترده است و عوامل متعددی در رابطه با آن وجود دارند که بر ساختار خانواده، استحکام یا گسست آن تأثیر می‌گذارند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عواملی که در تعاملات بین زوجین مؤثر است و در پژوهش‌های پیشین که با اهداف متفاوت انجام شده‌اند، به آن اشاره شده است، مهارت برقراری ارتباط افراد با یکدیگر است؛ ازاین‌رو این پژوهش با هدف بررسی رابطه مهارت ارتباطی زوجین با گسست خانواده، در جامعه آماری متأهلین شهر تبریز انجام شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بین مهارت ارتباطی و ابعاد آن شامل ارتباط توأم با قاطعیت، کنترل عواطف، بینش به فرایند ارتباط، دریافت وارسال پیام و گوش دادن، با گسست خانواده رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ به‌عبارتی هرچقدر مهارت ارتباطی زوجین بیشتر شود، انتظار می‌رود گسست خانوده کمتر رخ دهد. این نتیجه با یافته پژوهش‌-های گلزار سیرجانی و بیانفر (۱۳۹۹) و دیندار و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و طلاق عاطفی در شیراز و همچنین با نتایج پژوهش استرازنز و

همکاران (۲۰۰٦) در بررسی روابط عاشقانه و رضایت از رابطه میان بزرگسالان همسوست. در تبیین این نتیجه با توجه به نظریه‌های گاتمن و برادشاو (برادشاو، ۱۳۷۲) که عقیده دارند مهارت ارتباطی در برقراری ارتباط زوجین و جلوگیری از آشفتگی در روابط آن‌ها نقش مهمی دارد، می‌توان گفت ارتباط زوجین به روش‌های گوناگون موجب کاهش گسست عاطفی آن‌ها می‌شود. ارتباط مناسب سبب می‌شود زوجین با توجه به آگاهی از نظرات یکدیگر در تصمیم‌گیری، ضمن حفظ استقلال نظر خود فرصت ابراز عقیده برای همسر را نیز فراهم کنند. این موضوع فضای عاطفی خانواده را صمیمی‌تر و مستحکم‌تر می‌کند و زوجین حمایت اجتماعی همسر خود را احساس می‌کنند که این امر سبب افزایش رضایت از زندگی متأهلی و کاهش سطح تعارضات منجر به گسست خانواده می‌شود؛ زیرا چنانکه محققان قبلی همچون الگار و همکاران (۲۰۱۲)، اسپرچر و مییس (۲۰۰۳) و هانسون و لندید (۲۰۰٦) نیز دریافتند، در خانواده‌های با توان زیاد برای برقراری ارتباط اعضا با هم، سازگاری افزایش می‌یابد؛ همچنین توانایی انطباق با چالش‌ها به‌ویژه در زمینه ارتباطات عاطفی بیشتر می‌شود و این موضوع به افزایش تاب‌آوری در خانواده کمک می‌کند. بالارفتن سطح اعتماد به نفس، افزایش توانایی حل مسئله و برقراری تعامل مناسب با یکدیگر ازجمله مواردی است که در خانواده‌های دارای مهارت‌های ارتباطی بالا مشاهده‌شدنی است.

توانایی دریافت و ارسال پیام‌های واضح ارتباطی که از آن به‌صورت مهارت‌های درک پیام یاد می‌شود، به همراه توانایی درک چگونگی تأثیرگذاری بر تعامل و برقراری ارتباط که ناشی از توانایی فهم دیگران است و از آن به‌عنوان مؤلفه بینش در فرایند ارتباط یاد می‌شود، ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌های دارای نقش در مهارت‌های ارتباطی است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها دارای بیشترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته تحقیق‌اند. پس از آن‌ها، مؤلفه گوش دادن بیشترین ضریب همبستگی را با متغیر گسست خانواده دارد. گوش‌دادن، فرایند آموخته‌شده‌ای است. این مهارت شنیدن فعال است؛ یعنی تفسیر، ارزیابی، ذخیره‌سازی و پاسخ‌دهی به پیام‌های شفاهی به‌واسطه آن انجام می‌شود. در

جریان فرایند گوش‌دادن در انتقال منظور گوینده اتفاق می افتد و از طرفی، حالت دفاعی در گوینده را از بین می‌برد.

ممکن است در شرایطی رفتار یکی از طرفین به گونه‌ای باشد که طرف مقابل را تشویق یا مجبور به اطاعت کند که در این صورت می‌تواند تعامل را به سمتی سوق دهد که از روابط همدلانه فاصله بگیرد. مؤلفه‌های توان کنترل عواطف که به ابراز احساسات کنترل‌شده و درک احساسات دیگران کمک می‌کند و همچنین قاطعیت در ارتباط که به فرد کمک می‌کند تا صرف‌نظر از واکنش‌های دیگران بتواند به بیان نظرات و احساسات خود بپردازد، مؤلفه‌هایی هستند که با متغیر وابسته پژوهش همبستگی دارند.

یافته‌های مربوط به بررسی تفاوت میانگین گسست خانواده و مهارت ارتباطی برحسب میزان تحصیلات نشان داد که بین گروه‌های با تحصیلات عالی با سطوح تحصیلات پایین‌تر تفاوت وجود دارد؛ یعنی میزان تحصیلات زوجین از عوامل مهم در برقراری ارتباط و گسست خانواده است. این یافته را می‌توان با نظریات برنت دنیز، هامارتا و آری که در تحقیق اردلان و حسین جاری (۱۳۹۰) به آن اشاره شده است، تبیین کرد. همچنین با توجه به تأکید بر آموزش نحوه ابراز خواسته توسط افراد که در نظریه گاتمن به آن تأکید شده است، به نظر می‌رسد افزایش تعاملات اجتماعی در جریان طی کردن سطوح تحصیلی بالاتر فرصت آموزش مستقیم و غیرمستقیم در زمینه ارتقای مهارت‌های ارتباطی را فراهم می‌کند. افراد طی این دوران می‌آموزند که مثلاً هنگام طرح خواسته‌ای، خواسته باید روشن و شفاف بیان شود و فارغ از تحقیر باشد. در نحوه پاسخ‌دادن به دیگران نیز تحصیلات درخصوص فراگیری الگوی ارتباطی موفق نقش انکارناپذیری دارد؛ ازاین‌روست که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سطح تحصیلات بالا از عوامل زمینه‌ای برای جلوگیری از گسست خانواده و همچنین از عوامل تأثیرگذار بر مهارت ارتباطی افراد است.

براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، مهارت‌های ارتباطی زوجین ازجمله مقولاتی است که برای حل مشکلات آن‌ها لازم است در کانون توجه چالش‌های مربوط قرار گیرد؛

بنابراین با توجه به نقش و اهمیت مهارت‌های ارتباطی در زندگی اجتماعی، رویکرد علمی و توجه به پرورش آن در جریان آموزش و پرورش افراد باید بیشتر مدنظر قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های بیشتری درخصوص ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با مهارت‌های ارتباطی برای شفاف‌شدن اثرات آن‌ها انجام شود.

**تشکر و قدردانی**

نویسندگان از همه شرکت‌کنندگان در این مطالعه تشکر می‌کنند.

**کتابنامه**


۱. ابراهیمی، ل.، و محمدلو، م. (۱٤۰۰). مرور نظام مند عوامل زمینه ساز طلاق توافقی زوجین دهه اخیر در ایران (۱۳۹۸–۱۳۸۸). *فصلنامه زن و جامعه، ۱۲*(٤٦)، ۲٦–۲۰.

۲. اردلان، ا.، و حسین جاری، م. (۱۳۹۰). پیش بینی سازگاری تحصیلی براساس مهارت‌های ارتباطی با واسطه باورهای خودکار آمدی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، 7 (۱۷)، ۱– ۳۲.

۳. بالاگیری، م.، و سادات حسینی، س. (۱۳۹۸). ارائه الگوهای پیش بینی کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه. *پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری، ٤*(۳٦)، ۵۳–۲۹.

٤. باستانی، س.، گلزاری، م.، و روشنی، ش. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. *بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱*(۳)، ۲۲–۱.

۵. برادشاو، ج. (۱۳۷۲). *خانواده روش انقلابی برای خودشناسی* (م. قراچه داغی، مترجم). تهران: نشر البرز.

٦. جابری، س.، اعتمادی، ع.، و احمدی، ا. (۱۳۹٤). بررسی رابطه مهارت ارتباطی با صمیمیت. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۵ (۲)، ۱٤٦–۱۵۰.

۷. جهانی دولت آباد، ا.، و عشایری، ط. (۱٤۰۱)، بررسی نقش تعارضات زناشویی و شیوه‌های برخورد با تعارض در گرایش به طلاق (مورد مطالعه شهر اردبیل). نشریه *راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۱*(٤)، ۳٤۱–۳۷٦.

۸. حسن‌زاده، ا. (۱٤۰۰). آسیب‌شناسی اجتماعی گسست خانواده. *پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام*، تهران.

۹. درگاهی، ح.، قاسمی، م.، و بیرانوند، ا. (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تاکید بر تجاری، آموزشی و اشتغال زنان. *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۹*(۱۱)، ۱۰٦.

۱۰. دیندار، ا.، ف.، مهدوی، م.، و سید میرزایی، س. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و طلاق عاطفی (مورد مطالعه: افراد متأهل شهر شیراز در سال ۱۳۹٦– ۱۳۹۵). *فصلنامه زن و جامعه، ۹*(۳٦)، ۱۵۳– ۱۷٦.

۱۱. رزاقی، ن.، و اسلامی، ا. (۱۳۹٤). مطالعه کیفی علتهای تعارض در خانواده. *فصلنامه فرهنگی_تربیتی زنان و خانواده، ۱۰*(۳۲)، ۸۳ –۵۵.

۱۲. ریاحی، م.، وردی‌نیا، ع.، و بهرامی‌کاکاوند، س. (۱۳۹٦). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه. *زن در توسعه و سیاست، ۵*(۳)، ۱۰۹–۱٤۰.

۱۳. زارع باغبیدی، م.، و اعتمادی فرد، ا. (۱۳۹۹). تعیین نقش واسطه مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زوجین متقاضی طلاق. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۰*(۳۸)، ۱۳۵– ۱۵۰.

۱٤. زرگر، ف.، و نشاط دوست، ح. (۱۳۸٦). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، *فصلنامه خانواده پژوهشی،۳*(۱۱)، ۷٤٦–۷٤۲.

۱۵. ساروخانی، ب. (۱۳۹۰). *جامعه شناسی ارتباطات*، تهران: اطلاعات.

۱٦. سارو خانی، ب. (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.

۱۷. شمشیر گران، م.، و همائی، ر.، (۱۳۹۷). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی و مؤلفه‌های آن با دلزدگی زناشویی در کارکنان متأهل شرکت ملی حفاری استان خوزستان. *رویش روان شناسی، ۷* (۱)، ۲٤٦–۲۲۳.

۱۸. شیشه گران، س.، قمری کیوی، ح.، و شیخ الاسلامی، ع. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مهارت ارتباطی بر سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده در نامزدها. *مشاوره کاربردی*، ٦(۱)، ۷۸–۵۳.

۱۹. عظیمی رستا، م.، و عابدزاده نوبریان، م.، (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلق عاطفی میان زوجین در خانواده. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۳*(۱۰)، ٤٦–۳۱.

۲۰. فدایی مقدم، م.، خوش اخلاق، ح.، و رضایی جمالویی، ح. (۱٤۰۱). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی شناختی مک‌کی و طرح واره درمانی بر تکانشگری و بهبود عملکرد رابطه در زوجین دارای تعارض زناشویی شهر قم. *پژوهشنامه زنان*، *۳۹*(۱۳)، ۱٦٦-۱٤۱.

۲۱. کریمی، ا.، احمدی، ص.، و زهراکار، ک. (۱۳۹۹). اثر بخشی مهرات های ارتباطی‌های زناشویی به روش گاتمن بر الگوهای ارتباطی زنان. *فصلنامه فرهنگ، مشاور و روان درمانی*، *۱۱*(٦٦)، ۲۷۸-۲۵۳.

۲۲. گلدنبرگ، ا.، و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۲). *خانواده درمانی* (ح. حسین‌شاهی برواتی، س. نقشبندی، . ا. ارجمند، مترجمان). تهران: نشر روان.

۲۳. گلزار سیرجانی، م.، و بیان فر، غ. (۱۳۹۹). نقش الگوهای ارتباطی زوجین در گسست عاطفی. *سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی*، ۲(٤)، ۳۳-۵۱.

۲٤. نصیری، ص.، حیدری بافقی، ر.، . جراره، ج.، (۱۳۹٦). ویژگی های شخصیتی، باورهای غیر منطقی و مهارتهای ارتباطی به عنوان پیش‌بین‌های عملکرد شغلی مشاوران. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، دانشگاه شهید چمران اهواز، *۷*(۱)، ٤٦-۲۷.

۲۵. هراتیان، ع.، جان بزرگی، م.، آگاه هریس، م.، موتابی، ف.، و صفورایی پاریزی، م. (۱۳۹۸). رابطه روان بنه‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیر منطقی با تعارض زناشویی، نقش تعدیل کننده دینداری. *نشریه علمی و فرهنگی_تربیتی زنان و خانواده*، *۱۵*(۵۱)، ۱۱۵-۹۱.

۲٦. هادیان، ص.، و امینی، د. (۱۳۹۷). پیش بینی دلزدگی زناشویی براساس هوش عاطفی، مهارت‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متأهل دانشگاه آزاد همدان. *پژوهشنامه زنان*، *۱۰*(۱)، ۱۸۲-۲۰۷.

27. Elgar, F.J., Craig, W., Trites, S. (2012). Family Dinners, Communication, and Mental Health in Canadian Adolescents. *Journal of Adolescent Health*, *4* (2), 11-19.
28. Lundblad, A. M., Hansson, K. (2006). Couples therapy; effectiveness of treatment and long-term follow-up. *Journal of Family Therapy*, *28*(2), 136-152.

29. Metis, S., Cupach, W.R. (2002). The Influence of Relationship Beliefs and Problem-Solving Responses on Satisfaction in Romantic Relationships, *Human Communication Research*, *17*(1), 170-185.
30. Portes, P. R., Howell, S. C., Brown, J. H., & Eichenberger, S. (1999). Family functions and children's postdivorce adjustment. *American Journal of Orthopsychiat*, *62*(4), 613-617.
31. Riesch, S. K., Jackson, N. M., & Chanchong, W. (2003). Communication approaches parent-child conflict: Young adolescence to young adult. *Journal of Pediatric Nursing*, *18*(4), 244-256.
32. Sharf R.S. (2015). *Theories of psychotherapy & counseling: Concepts and cases*. Cengage learning.
33. Strunz, S., Schermuck, C., Ballerstein, B., Ahlers,C. J., Dziobek, I., Roepke, S., (2016) Romantic Relationships and Relationship Satisfaction Among Adults With Asperger Syndrome and High-Functioning Autism: Romantic Relationships Among Autistic Adults, *Journal of Clinical Psychology, 73*(1), 1-13.